

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده قرعه
موضوع جزئی: ادله قاعده قرعه _ دلیل دوم: روایات _ دسته اول
تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۹۸
مصادف با: ۲ ربیع الاول ۱۴۴۱
جلسه: ۱۰

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

دلیل اول که دو آیه مربوط به قصه حضرت یونس و داستان حضرت مریم بود، ذکر شد. اجمالاً دلالت این دو آیه بر مشروعیت قرعه مورد پذیرش واقع شد و در هر دو البته جهات هفتگانه به نحو اجمال بررسی شد.

دلیل دوم روایات

اخبار متواتر یا قریب به تواتر (به تعبیر کثیری از بزرگان) در این باره وارد شده است. اینکه ادعا شده که این اخبار یا روایات، متواتر و یا قریب به تواتر اند، منظور تواتر لفظی نیست بلکه تواتر معنوی مقصود است. یعنی این مضمون و محتوا در روایات بسیاری آمده که در ابواب مختلف فقهی به ویژه در باب قضا و کیفیت الحکم نقل شده و انسان مجموعاً می‌تواند اطمینان پیدا کند به اینکه این مضمون از ائمه معصومین (ع) صادر شده است.

این اخبار در یک دسته بندی کلی بر دو نوع اند:^۱

قسم اول اخبار عامه ای هستند که اختصاص به مورد خاص ندارند بلکه تمام موارد مشکوک یا مشتبه و یا مشکل را در بر می‌گیرد.

دسته دوم اخباری هستند که در موارد خاص وارد شده اند و آن شمول و اطلاق نسبت به همه موارد مشکل و مشتبه را ندارد.

امام خمینی (ره) دسته اول را هم به دو قسم تقسیم کرده است. یعنی اخبار عامه تارةً به نحو تام و کامل از آن عموم استفاده می‌شود و اُخری اخباری هستند که از آن‌ها عموم فی الجملة استفاده می‌شود مانند عمومی که نسبت به باب قضا وجود دارد. مورد خاص نیست اما اینطور هم نیست که مانند دسته اول تمام موارد مشکل، مشتبه و مجهول را در بر بگیرد. لذا اگر بخواهیم این تقسیم را هم در نظر بگیریم مجموعاً سه طایفه اخبار و روایات وجود دارد ولی همانطور که گفته شد بعضی گفته اند که دو طایفه اخبار وجود دارد مانند مرحوم آقای بجنوردی. برخی هم مانند امام و شاگردان او مانند آقای فاضل اخبار عامه را به دو طایفه تقسیم کرده اند.

مجموعاً ما این سه طایفه روایات را نقل می‌کنیم و باید بررسی کرد که مشروعیت قرعه از آن استفاده می‌شود یا خیر.

۱. قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۶۰.

دسته اول

روایت اول

محمد ابن احمد ابن یحیی عن موسی ابن عمر عن علی ابن عثمان عن محمد ابن حکیم: سألت أبا الحسن (عليه السلام) عن شيء فقال لي: «كل مجهول ففيه القرعة» قلت له: إن القرعة تخطئ، و تصيب، قال: «كل ما حكم الله به فليس بمخطئ»^۱ محمد ابن حکیم می گوید من از امام موسی ابن جعفر (ع) از چیزی سوال کردم، امام به من فرمود هر چیزی که مجهول باشد در آن قرعه جریان پیدا می کند. این عبارت نشان می دهد که منظور از شیئی در این روایت همان امر مجهول است. جواب امام که میفرماید «کل مجهول ففيه القرعة» قرینه است بر اینکه منظور از شیئی یعنی یک شیئی غیر معلوم و مبهم، بعد می گوید من خطاب به امام عرض کردم، آیا قرعه هم به واقع اصابت می کند و هم به خطا می رود؟ امام (ع) فرمود: هر چه را که خداوند به آن حکم کند، صحیح است و به خطا نمی رود.

تقریب استدلال به این روایت روشن است زیرا امام به صورت عام درباره امر مجهول راه قرعه را پیشنهاد کرده است و این خودش دال بر مشروعیت قرعه است. اگر قرعه مشروع نبود امام چنین چیزی را نمی فرمود. لذا دلالت این روایت بر مدعا خوب است.

فقط یک نکته ای در مورد ذیل روایت باید عرض شود که امام فرمود: کل ما حکم الله به فلیس بمخطئ، این یعنی چه؟ مرحوم نراقی در این عبارت دو احتمال ذکر کرده است:^۲

احتمال اول: اینکه منظور این است که حکم خدا در قرعه ادا به خطا نمی رود؛ یعنی آنچه در قرعه بدست می آید همواره صحیح است و به واقع اصابت می کند.

احتمال دوم: این است که آنچه از راه قرعه بدست می آید حکم الله است هر چند قرعه به خطا برود. لذا روایت نمی خواهد بگوید که قرعه خطا نمی کند چون احتمال خطا در قرعه وجود دارد، ولی آن حکمی که بدست می آید معتبر است.

به نظر می رسد که در بین این دو احتمال، احتمال دوم احتمالی است که می توان آن را پذیرفت و بعید است که منظور امام این باشد که قرعه هیچ وقت به خطا نمی رود. اینکه شما در مجهولات رو به قرعه بیاورید، این یک حکم شرعی است ولو عقلایی است و شارع امضاء کرده، ولیس تأسیساً بالاخره یک حکم شرعی است و همیشه معتبر است ولو اینکه نتیجه قرعه با واقع یکی نباشد. این توضیحی در مورد ذیل روایت بود که البته تأثیری در استدلال ما ندارد و فقط برای این بود که روایت از اجمال و ابهام در آید.

^۱ و من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۲، حدیث ۳۳۸۹. تهذیب، ج ۶، ص ۲۴۰، حدیث ۲۴. وسائل، ج ۲۷، ص ۲۵۹، باب ۱۳ از ابواب کیفیت الحكم، حدیث ۱۱.

^۲ عوائد الأيام، ص ۶۴۱.

از نظر دلالت به نظر می‌رسد که دلالت خوبی دارد و شاید عام‌ترین روایات باشد و اگر خاطرتان باشد ما در هنگام بررسی سه واژه مجهول، مشکل و مشتبه اشاره‌ای به این روایت داشتیم و آنجا سخن امام را بررسی کردیم که امام فرمودند تنها روایتی که تعبیر مجهول را دارد همین روایت است. پس از نظر دلالت مشکلی نبود.

از نظر سند هم افرادی که در طریق این روایت واقع شدند، یکی علی ابن عثمان است که مجهول است و محمد ابن حکیم هم محمد ابن حکیم خثعمی است که اصحاب اجماع مثل بزنطی و ابن محبوب و ابن ابی عمیر از او روایت نقل کرده‌اند. بعلاوه اینکه صاحب اصل است و توثیق شده است. همچنین طریق شیخ صدوق که این روایت را نقل کرده، طریق صحیحی است. پس فی نفسه جز علی ابن عثمان که مجهول است، مشکل دیگری در این روایت وجود ندارد.

دو راه برای تصحیح روایات

اگر اشخاص ضعیف هم در این روایت باشند، ما به دو طریق دیگر می‌توانیم این روایت را تصحیح کنیم. البته این قانون در مورد سایر روایات هم جریان دارد ولو به واسطه بعضی از اشخاص مجهول گرفتار ضعف باشند:

۱. تواتر معنوی می‌تواند کمک کند چون وقتی می‌گوییم این روایات تواتر معنوی دارند یعنی این مضمون *صَدَرَ عَنِ الْمَعْصُومِ* و کلیت این مضمون که در امر مجهول قرعه جریان پیدا می‌کند، وقتی معنأً متواتر باشد، پس در صدورش از معصوم تردیدی نیست.

۲. اصحاب هم به این روایت عمل کرده‌اند و لذا اگر گرفتار ضعف سندی باشد، عمل اصحاب رافع ضعف سندی می‌باشد. لذا ما از نظر سندی از این دو طریق می‌توانیم حتی روایات ضعیفه را هم بپذیریم، یکی مسئله تواتر معنوی و دیگری عمل اصحاب به این روایات.

البته عرض کردم که فی الجمله آن مضمون کلی که متواتر است، با این ثابت می‌شود، اما اگر جزئیاتی در این روایات باشد، بخصوص مثلاً در یک روایتی یک حکم خاصی بیان شده باشد، دیگر به طریق تواتر معنوی نمی‌تواند آن حکم جزئی ثابت گردد، مگر اینکه به طور خاص عمل اصحاب را کشف کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»